

چالش‌های عمده توسعه روستایی در ایران برای دستیابی به توسعه پایدار

خلیل کلانتری^۱ علی اسدی^۱، حسین شعبانعلی فمی^۲ و شهلا چوپچیان^۳

چکیده:

براساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، در حدود ۲۲/۸ میلیون نفر در ۶۸۰۰۰ روستا سکونت دارند که حدود ۳۲ درصد از کل جمعیت کشور را شامل می‌شود. جمعیت روستایی از نظر توسعه در یک محیط ناپایدار و از نظر جغرافیایی در سکونت‌گاه‌هایی کوچک و کاملاً پراکنده زندگی می‌کنند. بطوری‌که بیش از ۶۵ درصد جمعیت روستایی در نقاطی با کمتر از ۲۵۰ نفر جمعیت سکونت دارند. این دو ویژگی در جامعه روستایی ایران یعنی کوچک بودن روستاها باعث گردیده است که آستانه جمعیتی کافی برای ارائه بسیاری از خدمات وجود نداشته باشد و پراکنده بودن روستاها نیز نه تنها دسترسی روستاها به خدمات سایر نقاط را نیز با مشکل مواجه می‌کند، بلکه ساماندهی فضایی روستاها را نیز با چالش مواجه کرده است. در ایران تنها ۷/۵ درصد سکونت‌گاه‌های روستایی بیش از ۱۰۰۰ نفر جمعیت دارند. بنابراین برنامه‌ریزی برای جامعه روستایی ایران با چنین ویژگی نیازمند رهیافت خاصی است. بر همین مبنا شناسایی چالشهای عمده توسعه پایدار روستایی پیش شرطی برای تدوین سیاستها و ارائه الگویی انعطاف پذیر برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی است. برای تحقق این هدف، مطالعه اخیر در صدد است تا به بررسی چالشهای عمده توسعه پایدار روستایی در ایران پرداخته و راهبردهای مناسبی را در این زمینه ارائه دهد. برای این منظور پس از مرور ادبیات موضوع، عمده‌ترین چالشهای موجود در حوزه توسعه روستایی ایران شناسایی و به قضاوت و داوری ۶۰ نفر از کارشناسان مسایل توسعه روستایی کشور گذاشته شده است. برای تحلیل نظرات کارشناسان و دسته بندی چالشها از روش تحلیل عاملی استفاده شده است. نتایج مطالعه نشان داد که در مجموع چالشهای عمده توسعه پایدار روستایی در ایران را می‌توان در پنج عامل چالشهای اقتصادی، مدیریتی و برنامه‌ریزی، محیطی، اجتماعی و فیزیکی - کالبدی خلاصه کرد. هر یک از عوامل فوق به ترتیب ۱۸/۳۰، ۱۳/۶۸، ۱۲/۲۹، ۱۰/۶۵ و ۱۰/۳۹ درصد از چالشهای موجود در فرآیند توسعه پایدار روستایی در ایران را تبیین می‌کنند. این پنج عامل مجموعاً ۶۵/۵۲ درصد از چالشها را به خود اختصاص داده‌اند.

مفاهیم کلیدی:

توسعه پایدار روستایی، چالشهای توسعه روستایی ایران.

۱- دانشیار دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

۲- استادیار دانشگاه تهران

۳- دانشجوی دکتری دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

مقدمه:

قرن ۲۱ در شرایطی آغاز شده است که رشد فزاینده جمعیت و تأمین غذایی از دل مشغولی‌های جهان به شمار می‌رود. براساس برآوردهای انجام شده تا سال ۲۰۲۵ جهان باید جمعیت ۸/۳ میلیارد نفری را تغذیه نماید. اگر چه در حال حاضر غذای کافی برای تغذیه تمام افراد تولید می‌گردد، اما حدود ۸۰۰ میلیون نفر به غذای کافی دسترسی ندارد که بیش از ۲۰ درصد آنها را کودکانی تشکیل می‌دهند که دچار کم وزنی و سوء تغذیه می‌باشند. در چنین شرایطی توسعه روستایی و کشاورزی با مسائل، مشکلات و چالشهای متعددی مواجه گردیده است که باید برای آنها پاسخ مناسب جستجو شود. راهبردهای گذشته در زمینه توسعه روستایی موفقیت‌آمیز نبوده و نتوانسته است که امنیت غذایی را تحقق بخشد و در عین حال پایداری محیط زیست را تأمین نماید. به همین دلیل توسعه روستایی همچنان با چالش‌های عمده‌ای در آغاز قرن ۲۱ مواجه گردیده است. گسترش شکاف درآمدی، افزایش فقر، قحطی و گرسنگی، مشارکت پایین، ضعف سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی، فقدان زیرساختهای مناسب و آسیب‌پذیری سکونت‌گاه‌های روستایی به‌ویژه در کشورهای توسعه نیافته باعث گردیده است که این کشورها به بازنگری در راهبردهای توسعه روستایی بپردازند و از سیاستهای خوش‌بینانه‌ای که پیش از این دنبال می‌کردند خارج شوند و بر رویکردها و سیاستهایی تمرکز یابند که بر توسعه روستایی تأکید بیشتری دارند و مستقیماً وضع زندگی فقیران روستایی را بهبود می‌بخشند.

این پژوهش ضمن بررسی نظریه‌ها، مدلها و رویکردهای موجود در زمینه توسعه روستایی، به تحلیل چالشها و راهبردهای عمده توسعه روستایی در ایران بر مبنای اجماع نظر متخصصان امور روستایی می‌پردازد تا اساسی‌ترین چالشهای پیش روی توسعه روستایی در ایران را مشخص کند.

مفهوم توسعه روستایی:

توسعه روستایی اصولاً مفهومی جدا از توسعه اقتصادی - اجتماعی در سطح کلان یک کشور نیست، بلکه جزئی از توسعه کلان ملی تلقی می‌گردد، اما تأکید اساسی آن عمدتاً معطوف به حل مسائل مرتبط با جامعه روستایی و تلاش در جهت محرومیت زدایی و کاهش فقر در این مناطق می‌باشد. توسعه روستایی به عنوان یک مفهوم و مجموعه‌ای از تجربیات و روشهای گوناگون سازماندهی تولید، ایجاد رفاه و مبادله برای فعالیتهای روستایی، سابقه طولانی داشته و تنها منحصر به نظام‌ها یا کشور خاصی نیست. بانک جهانی توسعه روستایی را چنین تعریف می‌کند: توسعه روستایی استراتژی‌ای است که برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه مشخصی از مردم که همان

روستاییان فقیرند طراحی می‌شود. این استراتژی در پی گسترش منافع توسعه در بین فقیرترین افرادی است که در نواحی روستایی ساکن می‌باشند که شامل کشاورزان خرده‌پا، اجاره نشینها و خوش نشینها می‌گردد. از نظر بانک جهانی توسعه روستایی به نوین سازی جامعه روستایی می‌پردازد و آن را از انزوای سنتی خارج و به جامعه‌ای تغییر یافته تبدیل و با اقتصاد ملی عجین می‌کند. بنابراین هدفهای توسعه روستایی، در محدوده یک بخش خلاصه نمی‌شود، بلکه مواردی چون بهبود بهره‌وری، افزایش اشتغال، تامین حداقل قابل قبول غذا، مسکن، آموزش، بهداشت و مشارکت روستاییان در فرایند تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و مدیریت روستایی را نیز در بر می‌گیرد. با چنین نگرشی، توسعه روستایی باید به منزله یکی از اجزای جدایی ناپذیر و نیروی محرکه کل فرایند توسعه به شمار آید. از اینرو توسعه روستایی نباید نوعی فعالیت "بخشی" تلقی گردد، بلکه باید آن را نوعی هسته چند بخشی یک برآیند توسعه گسترده تر قلمداد کرد.

تحولات در روند توسعه روستایی ایران:

روستاهای ایران که قرن‌ها، بدون دگرگونی چندان، وضعیت نسبتاً پایداری داشتند، از دهه‌های واپسین قرن نوزده به تدریج در اوضاع و احوال تازه‌ای قرار گرفتند. تحولات قرن بیستم چهره روستاها و شیوه زندگی و روابط اجتماعی روستائیان را ابتدا به آرامی و آنگاه با شتاب بیشتری دگرگون کرد. این تحول از هنگامی آغاز شد که اقتصاد ایران به اقتصاد توانمند و سلطه جوی جهانی پیوند خورد و بخش کشاورزی و جامعه روستایی نیز در انطباق و همسازي با اوضاع و احوال جدید در مسیر دگرگونی قرار گرفت (اشرف ۱۳۶۱). در اثر این دگرگونیها روابط سنتی شهر و روستا نیز دستخوش تغییر گردید و با رشد و توسعه بازار کار و تجارت در شهرها و رشد شتابان جمعیت در مناطق روستایی، مهاجرت روستائیان به شهرها شدت بیشتری یافت و با ورود مصنوعات شهری و کالاهای خارجی به روستاها، به تدریج خودکفایی نسبی روستاها از هم پاشید و با رشد نسبی کشاورزی تجاری در روستاها زمینه برای دگرگونیهای سریع در دهات ایران فراهم شد، بطوری که روستاها تغییرات ساختاری زیادی، نظیر ازدیاد محصولات تجاری، روال نسبی استقلال اقتصادی، دگرگونی در مالکیت اراضی، تغییر در طبقات و قشر بندی اجتماعی و ظهور کارگر روزمزد، از بین رفتن مدیریت بومی و محلی و حضور مقتدرانه دولت در محیط روستا را تجربه کردند. این تحولات که نزدیک به یک قرن به آرامی در جریان بود در اواخر دهه‌های قرن بیستم شتاب بیشتری یافت و در فاصله‌ای کوتاه نظام ارباب _ رعیتی از هم پاشید و انواع نظامهای بهره‌برداری تجاری اعم از خصوصی و دولتی و بزرگ و کوچک تا انواع بهره‌برداری‌های دهقانی و نیمه دهقانی شکل گرفت و گسترش یافت. بدین ترتیب با استقرار نظامهای بهره‌برداری جدید

چهره روستاها دگرگون شد و روابط اجتماعی و اقتصادی جدید جایگزین روابط کهن گردید، ماشینهای کشاورزی بیش از پیش به روستاها راه یافت، ترکیب زمین‌داران از فئودالی به سرمایه داری تغییر کرد، قشربندی اجتماعی روستاها پیچیده شد، نیروهای اجتماعی روستاها تنوع یافت و رویارویی میان آنها پدیدار شد و مسائل ارضی و دهقانی به صورت یکی از مسائل اجتماعی درآمد. در پی این تحولات در دهه ۴۰ به دلیل فقدان دیدگاه منسجم در توسعه روستایی و استفاده از نظریات و رویکردهای مختلف، ناهماهنگی‌هایی در اجرای برنامه‌های توسعه روستایی پدیدار شد. بدنبال این تحولات، نگرشها، سیاستها و رویکردهای مختلف توسعه روستایی در کشور در قالب برنامه‌های مختلف بکار گرفته شد که هر یک از آنها به سهم خود ابعاد خاصی از جامعه روستایی را تحت تاثیر خود قرار دادند. علی‌رغم فراز و نشیبهایی که در اقتصاد روستایی بطور عام و بخش کشاورزی بطور خاص در روند برنامه‌های توسعه بوجود آمده است سه دلیل عمده‌ای که توجه به برنامه‌های توسعه روستایی را انکارناپذیر می‌کند به شرح ذیل است.

۱- افزایش روزافزون تقاضا برای مواد غذایی

۲- نقش مواد اولیه کشاورزی در توسعه صنعتی

۳- نقش محصولات کشاورزی در صادرات و تأمین ارز

علی‌رغم نقش محوری که مناطق روستایی و بخش کشاورزی در اقتصاد ملی کشور به عهده دارد، جامعه روستایی در ایفای وظایف مهمی که به برخی از آنها اشاره گردید با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌باشد که در اولین اقدام باید عمده‌ترین موانع موجود در مقابل توسعه روستاها را شناخت و با تحلیل اصولی این مشکلات، راهکارهای مناسب برای توسعه یکپارچه، موزون و پایدار روستایی را تدوین نمود. پراکندگی بیش از حد روستاها و نقش حاشیه‌ای آنها در روند فعلی توسعه، باعث گردیده است تا شهرها به طور نامطلوب رشدیابند و موقعیت بلامناز عشان روز به روز مستحکمتر شود. اگر در وضع موجود، جمعیت شهری و روستایی متعادل فرض شوند، جمعیت شهری در بین حدوداً ۹۸۰ نقطه شهری و جمعیت روستایی در بیش از ۶۵ هزار آبادی توزیع شده اند. به همین علت برقراری هرگونه توازن میان نقاط شهری و سکونت‌گاه‌های پراکنده روستایی از اقدامات مؤثر در جهت توسعه روستاهاست. برنامه‌ریزی صحیح روستایی در جهت ساماندهی منظومه‌های روستایی در ایجاد توازن بین جامعه شهری و روستایی تأثیر بسزایی دارد، به طوری که در این فرآیند، امکان بهره‌برداری بیشتر از توانایی‌های روستایی به وجود می‌آید و ظرفیت جامعه روستایی برای نگاهداشت تعداد بیشتری از جمعیت افزایش می‌یابد (آسایش، ۱۳۷۵).

از دیگر چالش‌های مهم توسعه روستاها، فروپاشی مدیریت قبلی روستایی و ضعف در ساختارهای مدیریتی جدید در مناطق روستایی است. اگرچه شکل‌گیری شوراها و ده‌یارها در مناطق

روستایی قدم مهمی در جهت پر کردن خلاء مدیریتی در این نواحی محسوب می‌شود، اما هنوز این تشکلهای قادر نبوده‌اند تا برنامه‌های توسعه روستایی را در سطح محلی در جنبه‌های عمران روستایی، توسعه کشاورزی، حل اختلافات روستایی و غیره به نحو کامل به انجام برسانند. با عنایت به این واقعیات، لزوم توجه به مناطق روستایی کشور و ارائه خدمات مناسب به آنها چه به دلیل لزوم فعالیت کارآمد در بخش کشاورزی و چه به دلیل ساماندهی صحیح جمعیت در مناطق روستایی و مدیریت درونزا و کارآمد این مناطق به منظور هموار ساختن مسیر حرکت به سوی تعیین چارچوبهای مناسب برنامه‌ریزی و توسعه روستایی در سطح کشور امری اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا شناخت چالش‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های روستاها از نظر تنظیم صحیح ارائه خدمات مناسب براساس یک برنامه‌ریزی دقیق به منظور بهره‌گیری عقلایی از قابلیت‌ها، از قدمهای اولیه و اساسی‌ای است که باید به نحو سنجیده‌ای برداشته شود. خوشبختانه در دهه اخیر به نقش روستا و بخش کشاورزی در حیات ملی پی برده شده و با توجه خاصی که به این بخش مبذول گردیده است، بار دیگر این فرصت فراهم آمده است که بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری‌های دولت را به مناطق روستایی اختصاص دهند و اولویت گذشته کشاورزی را به کشور باز گردانند (آسایش، ۱۳۷۵). این توجه به مناطق روستایی، به‌ویژه با ادغام وزارت جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی در سال ۱۳۸۱ و تشکیل وزارت جهاد کشاورزی شکل جدیدتری بخود گرفته است. تعدد تصمیم‌گیری در امور روستاهاییکی از معضلات برنامه‌ریزی و توسعه مناطق روستایی در ایران محسوب می‌گردد که باین ادغام و یکپارچه کردن بخش عمده‌ای از فعالیتها و مسائل روستایی در یک وزارتخانه گامی اساسی در هموار کردن فرآیند توسعه روستایی برداشته شده است. اگرچه هنوز تمام ابعاد توسعه روستایی به طور جامع در زیر چتریک وزارتخانه قرار نگرفته است و هنوز سازمانها و وزارتخانه‌هایی وجود دارند که به‌صورت بخشی به دخالت در امور روستاها می‌پردازند، اما ادغام فعالیت‌های مربوط به بخش تولیدی جامعه روستایی در یک وزارتخانه قدم اساسی در این زمینه محسوب می‌شود.

شرایط لازم برای تحقق توسعه روستایی:

در مورد شرایط و زمینه‌های لازم برای دستیابی به توسعه روستایی دیدگاههای مختلفی توسط علمای توسعه ارائه شده است. عده‌ای توسعه را صرفاً از جنبه اقتصادی مورد توجه قرار داده‌اند و عامل اساسی برای رسیدن به توسعه را منابع مالی نظیر پس انداز، سرمایه‌گذاری و غیره قلمداد می‌کنند. گروهی دیگر که توسعه را جامعه‌شناسانه تحلیل می‌کنند، برخورداری از روحیه کارفرمایی را عامل مهم و مؤثر در پیشبرد توسعه می‌دانند و عده‌ای دیگر عوامل فرهنگی و برخی

نیز عوامل اجتماعی نظیر آموزش و پرورش، حفظ و افزایش بهداشت، سلامتی و تحقق تأمین اجتماعی را مهم و مؤثر می‌پندارند. بدیهی است که امروزه توسعه صرفاً موضوعی اقتصادی و فنی تلقی نمی‌گردد بلکه موضوعی است که در رابطه با تحول انسان و محیط او و دستیابی انسان به آینده‌ای مطمئن مفهوم پیدا می‌کند. بنابراین هدف کلی توسعه روستایی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، قبل از هر چیز ارتقاء پایگاه اجتماعی روستاییان و تضمین ارزشهای اجتماعی آنها از طریق ایجاد شرایطی که آنها را به زندگی آبرومندانه در کنار هم‌نوعان قادر سازد مورد ارزیابی قرار می‌دهند (عسگری، ۱۳۸۰). از نقطه نظر نگرش سیستمی، همه عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره با تأکید بر عامل منابع انسانی، بر روند توسعه در هر کشوری مؤثرند و فقدان هر یک از عوامل مذکور می‌تواند فرآیند توسعه را با تأخیر مواجه کند. وتیز (۱۳۶۶) سه هدف اساسی را برای توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه مطرح نموده است که عبارتند از:

۱- ایجاد منابعی برای معیشت اقتصادی در مناطق روستایی از طریق فراهم کردن امکانات جدید اشتغال توسط بهره‌برداری بهینه از منابع محلی و توزیع مساوی و عادلانه درآمدهای حاصل از تلاشهای انجام شده در مسیر توسعه.

۲- بوجود آوردن یک نظام کارآمد برای ارائه خدمات اقتصادی، اجتماعی و شهری.

۳- جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها که الگوی سنتی خویشاوندی موجود در جامعه روستایی و اساس زندگی اجتماعی محلی او را در معرض نابودی قرار می‌دهد و لذا نیازمند وجود امکانات اشتغال کافی، پرجاذبه و متعددی می‌باشد که پاسخگوی جمعیت مازاد روستایی باشد. البته تحقق اهداف مذکور را نیز مشروط به وجود یکسری قواعد عمومی و اساسی می‌دانند که بطور خلاصه عبارتند از اینک:

۱- رشد کشاورزی وابسته به عوامل اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. بدین مفهوم که توسعه روستایی زمانی تحقق می‌یابد که متکی بر رشد اقتصادی و به نوبه خود وابسته به گسترش مؤثر و سودآور تمامی منابع انسانی و مادی (زمین، سرمایه و ...) بدست خود روستایی باشد. به‌عنوان مثال ساختار مالکیت و مدیریت واحدهای زراعی بر اساس ملاحظات اقتصادی و اجتماعی تعیین شود و الگوی سازماندهی واحدهای زراعی یا به‌صورت خانوادگی (درگیر شدن تمام اعضای خانواده در کلیه مراحل کار و مدیریت در مزرعه) و یا به‌صورت مزرعه مدیریتی (که مدیریت و نیروی کار مزرعه از هم جدا می‌باشند و معمولاً به‌صورت واحدهای تجاری بزرگ با تعداد زیادی کارگر، مزارع کوچک با تعداد کمی کارگر، مزارع اشتراکی و ... می‌باشد) طراحی شود. هرچند که مطالعات به عمل آمده نشان می‌دهند که اهمیت مزارع خانوادگی بعلاوه اشتیاق روستائیان به داشتن ملک خصوصی و بهره‌برداری از مالکیت زمین به‌عنوان یک منبع قدرت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، در کشورهای آسیایی بیشتر می‌باشد.

۲- نظام پشتیبانی به‌عنوان یک پیش‌نیاز توسعه روستایی می‌باشد. توسعه روستایی متکی به وجود نظام پشتیبانی مناسبی است که علاوه بر تأمین امکانات برای کنترل و فرآوری محصولات کشاورزی،

خدمات اقتصادی، اجتماعی و عمومی مورد نیاز روستائیان را نیز در بر می‌گیرد. این نظام می‌بایست دارای سه عنصر اساسی و عمده به شرح ذیل باشد:

۱-۲ - توسعه زیربنای فیزیکی (کالبدی) و امکانات لازم برای عملکرد مناسب آن.

۲-۲ - تطبیق ساخت نهادی و مدیریتی با شرایط مناسب محلی.

۳-۲ - فراهم بودن نیروی انسانی ماهر و دارای انگیزه.

۳ - سازماندهی می‌بایست توسط روستائیان و برای روستائیان صورت گیرد. اصولاً سازماندهی روستائیان به‌عنوان تولیدکنندگان محصولات کشاورزی پیش شرطی برای تحول در بخش کشاورزی و مناطق روستایی می‌باشد و انتقال از کشاورزی سنتی معیشتی به کشاورزی تجاری با محصولات متنوع باید بطور صحیح سازماندهی شود تا متضمن حفظ ارتباط متقابل میان تک تک تولید کنندگان و نظام پشتیبانی باشد و اینگونه سازمانها می‌توانند کشاورز روستایی را در امر سازگاری با تغییرات ایجاد شده در واحدهای زراعی شخصی و در جامعه روستایی یاری کند.

۴ - برای توسعه روستایی، صنعتی شدن امری ضروری است. برای تولید نهاده‌ها، جذب و فرآوری تولیدات کشاورزی، افزایش امکانات اشتغال و افزایش تقاضاهای محلی برای تولیدات کشاورزی، بخصوص مواد غذایی فاسد شدنی، رشد کشاورزی و توسعه روستایی به صنعتی شدن، روستا بستگی دارد و در فرآیند صنعتی شدن روستاها می‌بایست به سه موضوع یا شرط اساسی توجه نمود:

۴-۱ - سطح تکنولوژی تولیدات صنعتی روستایی می‌بایست متناسب با سطح تولید سایر بخشهای اقتصاد روستایی باشد.

۴-۲ - برنامه‌ریزی صنعتی روستایی می‌بایست با وضعیت سایر بخشهای اقتصادی منطقه روستایی مورد نظر هماهنگ باشد.

۴-۳ - موقعیت مکانی استقرار فیزیکی واحدهای صنعتی روستایی می‌بایست با توجه به نیازمندیهای صنعتی و توزیع عمومی سایر فعالیتهای اقتصادی اجتماعی روستایی تعیین شود.

۵ - شهرنشینی به‌عنوان یک عامل پیش برنده توسعه روستایی می‌باشد. ایجاد و توسعه نظام روستا - شهری مبتنی بر سلسله مراتب وظایف به منظور رعایت عدم تمرکز شهری در کشورهای در حال توسعه برای تسریع فرآیند توسعه روستایی ضروری می‌باشد که این روستا - شهرها می‌توانند دارای سه کارکرد اساسی باشند:

۵-۱ - به‌عنوان پایه و اساس جهت فعال کردن نظام پشتیبانی عمل کنند و از جمعیت روستایی حمایت لازم را به عمل آورند تا از نظام زراعی با ساخت اقتصادی بسته، به نظام زراعی با تولید انبوه کالاهای قابل رقابت در بازار انتقال یابند.

۵-۲ - به‌عنوان نقاط و کانونهای مناسبی جهت استقرار صنایع روستایی عمل نمایند.

۵-۳ - می‌توانند ارائه کننده شیوه‌های متفاوت فرهنگ و زندگی به حوزه‌های روستایی بوده و روند مدرنیزه شدن را سرعت بخشند و موجبات بهره‌مندی روستائیان از خدمات بهتر را فراهم نموده و به‌عنوان جایگزینی برای اشتغال و زندگی مازاد جمعیت روستایی در همان محدوده روستا عمل نمایند.

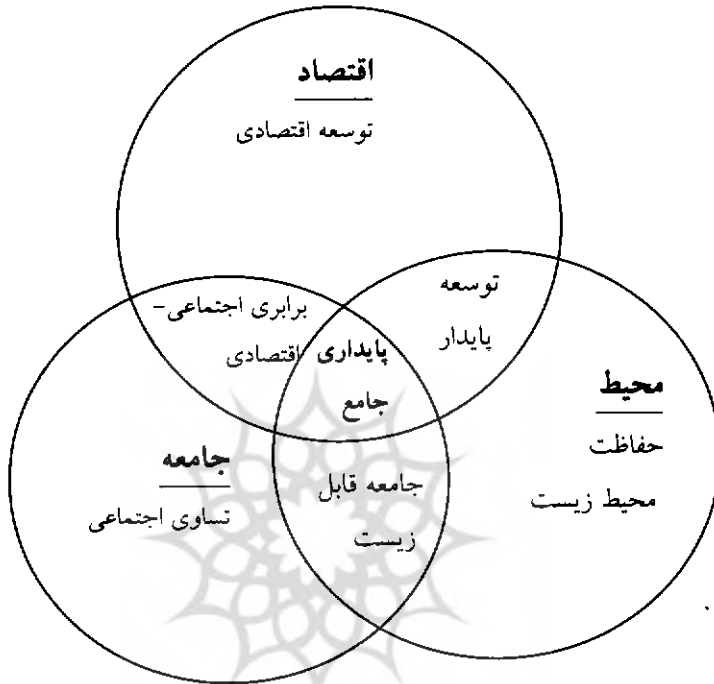
۶ - مشارکت مردمی و سازماندهی دولتی برای پیشبرد توسعه الزامی است، برای توفیق در امر توسعه روستایی، مشارکت فعال افراد بومی در برنامه‌ریزی و اجراء ضروری می‌باشد. زیرا علاوه بر تضمین بسیج منابع محلی، مجموعه تغییرات پیچیده مرتبط با توسعه را تسریع می‌کند و یک برنامه توسعه تنها در صورتی می‌تواند موفق گردد که با همکاری و تشریک مساعی مردم ذینفع طراحی گردد. زیرا فقط در این صورت است که منعکس کننده حقیقی امیال، آرزوها و ارزشهای آنها خواهد بود. اما از سوی دیگر، واقعیت‌های موجود در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که ساختار عمومی سازماندهی دولتی آنها، به صورت متمرکز می‌باشد و تصمیم‌گیرها، برنامه‌ریزی و اجرا در شهرهای بزرگ و معمولاً در دست افرادی است که از شرایط موجود در مناطق روستائی آگاهی مستقیم و کافی ندارند و از همه مهمتر اینکه هیچ‌گونه هماهنگی واقعی بین بخشها و دستگاه‌های مختلف دولتی در سطوح مختلف وجود ندارد و هر وزارتخانه بطور مستقل و در امتداد یک سلسله مراتب عمودی، عمل می‌نماید و واضح است که در چنین شرایطی ارائه برنامه‌های جامع توسعه، متناسب با واقعیت‌های محلی تقریباً غیر ممکن می‌گردد. برای حل معضل سازماندهی دولتی، الگوهای سازماندهی مختلفی از سوی کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفته است که در برخی موارد منجر به تأسیس سازمانهای ویژه توسعه در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی شده است.

۷ - توسعه سازمانهای محلی برای جلب مشارکت مردم ضروری می‌باشد. اساس نگرش توسعه سازمانهای محلی بر مبنای ضرورت بسترسازی برای جلب مشارکت فعال افراد محلی در موفقیت پروژه‌های توسعه می‌باشد و این ضرورت، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به سوی طراحی و بکارگیری راهبردهایی هدایت نموده است که با منافع مستقیم مردم و نیز دستیابی آنان به یک زندگی بهتر، سازگار و متناسب باشد. چرا که فقط طراحی و برنامه‌ریزی توسعه روستایی، تضمین کننده اجرای آن نمی‌باشد و لازم است که برای اجرای برنامه‌ها، روشها و راهبردهای منظم و مشخصی در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی تعیین و نقشها و وظایف هر یک از آنها در هر سطح به تفصیل بیان و مشخص شود. گر چه بخش اعظم برنامه‌ریزی توسعه روستایی محدود به سطوح منطقه‌ای و محلی می‌باشد اما برخی از جنبه‌های فرآیند برنامه‌ریزی نیز در سطح ملی تعیین و اجرا می‌شود که در این سطح معمولاً به هماهنگی بین منطقه‌ای در اولویت‌های سرمایه‌گذاری و نیز برنامه ملی فیزیکی و فضایی پرداخته می‌شود. در این سطح، تحقق دو شرط را ضروری می‌دانند اول وجود یک سازمان ملی که برای هماهنگی کلیه ابعاد توسعه روستایی در مراحل مختلف اجرایی و نیز به‌عنوان رابط بین دستگاه‌های مختلف مرتبط با جریان توسعه عمل نماید و دوم، وجود مکانیزم هماهنگ کننده‌ای که بتواند در قالب یک کمیته ملی و وزارتی و با عضویت وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی دخیل در امر توسعه، همه مباحث مربوط به توسعه روستایی را تعیین و پیگیری نماید (وتیز، ۱۳۶۶). در سطح منطقه‌ای نیز وجود سازمانی منطقه‌ای برای تحت پوشش قرار دادن و هماهنگ نمودن کلیه واحدهای لازم برای اجرای برنامه توسعه در منطقه نظیر ارگانهای دولتی و غیردولتی و سازمانهای داوطلب (مانند اتحادیه‌های کشاورزان، تعاونیهای منطقه‌ای و ...) الزامی است. در کنار آن وجود شورای منطقه‌ای، ارگانی که نماینده جمعیت منطقه بوده و وظیفه آن سازماندهی اجرای برنامه‌های توسعه در زمینه‌های غیر ملی نظیر مسائل و خدمات روستایی، ماشین آلات و امکانات منطقه‌ای، موضوعات رفاهی، بهداشتی و تجاری

منطقه باشد، ضروری است. اما در سطح محلی نیز نیازمند تأسیس سازمانهای محلی می‌باشد که براساس ماهیت و مشخصه هر سکونت‌گاه روستایی تشکیل، و نقش نمایندگی مردم را ایفا نمایند.

یکی دیگر از چالش‌های توسعه روستایی موضوع پایداری توسعه روستایی است. حدود ۲۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۸۷ کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه در کنفرانس آینده مشترک ما، دیدگاه جدیدی درخصوص سکونت‌گاه‌های بشر ارائه داد که پایداری محور اصلی این پارادایم نوین محسوب می‌شد. این کنفرانس براساس شواهد علمی، نابودی سریع هوا، آب، گونه‌های حیوانی و گیاهی، بیابانها، جنگلها و سایر اکوسیستم‌ها و همچنین استفاده بیش از حد از منابع طبیعی را نشان می‌داد. (Haman and Browan, 1994) بنابراین گزارش، کمیسیون برانت لندن مفهوم "توسعه پایدار" را به یک جریان مذاکره جهانی تبدیل نمود. از آن زمان، توسعه پایدار به عنوان تنها موضوعی که قابل روبرو شدن و حل کردن مشکلات اضمحلال محیط زیست و ضرورت توسعه اقتصادی است مورد توجه قرار گرفت. این گزارش مشخص کرد که توسعه پایدار "توسعه‌ای است که برآورده کننده نیازهای حال بشر بدون به خطر انداختن توانایی نسلهای آینده برای برآورده کردن نیازهایشان می‌باشد (WCED, 1987).

در اوایل سالهای ۱۹۹۰ توسعه روستایی تقریباً معادل بخش کشاورزی بود. حال به صورت واضح مشخص شده است که علاوه بر بخش کشاورزی مفهوم توسعه روستایی سایر ابعاد توسعه نظیر توسعه صنایع روستایی، اشتغال‌زایی برای جمعیت روستایی، همچنین امور آموزشی، مراقبتهای پزشکی و زیر ساختها و غیره را نیز شامل می‌شود (Hart, 1999). با لحاظ کردن عامل زمان و یا آینده، معنای توسعه پایدار سه موضوع یا فضای مرتبط و متقابلاً فراگیرنده را معرفی می‌نماید که عبارتند از محیط زیست، جامعه و اقتصاد (Roseland, 1998). نویسندگان فراوانی یگانگی این فضاها را با به تصویر کشیدن مفهوم پایداری نشان داده‌اند (شکل ۱) (Hart, 1999, and Newman and kenwbrthly, 1991). با توجه به ابعاد این پارادایم، پایداری در یک فضای منفرد نمی‌تواند اتفاق بیافتد و بر تصمیم توسعه غالب گردد. در حقیقت، هر کدام از این فضاها و یا موضوعات باید به صورت مساوی و متناسب در هر تصمیم‌گیری لحاظ گردد. (Hanughton and Hunter, 2003)



شکل (۱) سه فضای پایداری

به اعتقاد ویلکرسون و باران (2001) هنگامی که پایداری دارای ابعاد محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی است، نهایتاً منجر به دستیابی به پایداری در سطح محلی یعنی جایی که مردم زندگی و کار می‌کنند و بایکدیگر و طبیعت ارتباط برقرار می‌کنند، می‌گردد. از سال ۱۹۸۷ تعداد زیادی از سازمانها تلاش کرده‌اند تا مفهوم توسعه پایدار را در سطح اجتماع عملی کنند. پایداری در واژگان توسعه پایدار عبارتست از پیگیری روشهای توسعه اقتصادی که نه تنها "دوستدار محیط زیست" است، بلکه پایایی دراز مدت اقتصادی جامعه را نیز در نظر دارد (Berkes and Fole, 1998). در این زمینه اقتصاد پایدار عبارتست از ساختن یک اقتصاد محلی که هم پا برجاست و هم متنوع. پایداری اجتماعی عبارتست از رضایت اجتماع محلی برای برآوردن نیازهای اساسی برای غذا، سرپناه، آموزش، درآمد، شرایط کار و زندگی مطمئن، شرایط شغلی، رفاه اجتماعی و تساوی حقوق و مشارکت. امروزه واژگان پایداری و توسعه پایدار به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند. این واژگان رهیافت جدید توسعه را مشخص می‌کنند که نیازمند تلفیق وسیعی از اقتصاد، محیط زیست و عوامل اقتصادی - اجتماعی است. این مدل در تضاد با مدل رشد سنتی است که تنها شرایط اقتصادی را گسترش می‌داد و حتی ممکن بود منجر به صدمه زدن به سایر

شرایط اجتماعی و محیطی گردد (Roseland, 1998). بنابراین مفهوم پایداری راه جدیدی برای اندیشیدن درباره توسعه را معرفی می‌کند. راهی که نیازمند ملاحظات زیست محیطی و اجتماعی به طور توأمان همراه با سیاست‌گذاری اقتصادی است (Roselan, 1998).

در ایران شرایط ویژه‌ای بر جامعه روستایی حاکم است. در این کشور ۲۳ میلیون نفر در مناطق روستایی زندگی می‌کنند جایی که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم برای ادامه حیات به بخش کشاورزی وابسته‌اند. این در حالی است که بیشتر آنها در زیر خط فقر بسر می‌برند. هنوز اقتصاد روستایی تحت چیرگی و غلبه بخش کشاورزی است، بخشی که ۲۷٪ از تولید ناخالص داخلی، ۲۲/۹٪ از موقعیت‌های اشتغال و ۸۲٪ از عرضه مواد غذایی و ۳۵٪ از صادرات غیرنفتی، به‌علاوه مواد خام قابل توجه برای بخش صنایع را در بردارد (وزارت کشاورزی، ۱۳۷۷). این اعداد نشان می‌دهند که اقتصاد روستایی نقش مهمی در اقتصاد ملی ایفا می‌کند. برای ایجاد یک اقتصاد پایدار در مناطق روستایی، تقریباً هر روستا احتیاج به اعتبارات، زیرساخت‌ها، عوامل تولید، ماشینهای کشاورزی، امکانات بازاریابی، تعاونی‌ها، امکانات آموزشی و بهداشتی دارد. برای توسعه روستایی کارا و پایدار، مناطق روستایی باید به تمامی این نهادها و عملکردها مجهز گردند. تلفیق نهادها و عملکردها با مدیریت کارا نیازمند اجتماعات و سازمانهای محلی پایدار و فعال است. امروزه تعداد زیادی از سازمانهای دولتی با توسعه بخش کشاورزی و سایر ابعاد اقتصادی- اجتماعی در مناطق روستایی در ارتباط هستند و هر کدام سهمی و مسئولیتی در این فرآیند به عهده گرفته‌اند. وزارت جهاد کشاورزی که مسئولیت بخش کشاورزی، جنگلداری، منابع طبیعی، شیلات و صنایع روستایی را به عهده دارد، بیشترین نقش را در فرآیند توسعه روستایی ایفاء می‌کند. در کنار آن، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی دیگری نیز وجود دارند که به نوعی بر حسب حیطه فعالیت خود در فرآیند توسعه روستایی نقش دارند. چنین ساختار سازمانی در بخش توسعه روستایی حاکی از غلبه رهیافت بخشی در برنامه‌ریزی و اجرای طرحهای توسعه روستایی در ایران است که همواره بر رهیافت برنامه‌ریزی محلی و ناحیه‌ای در ایران سایه انداخته است. به دلیل دخالت سازمانهای مختلف در امور توسعه روستایی انجام هماهنگی‌ها و همکاری‌های لازم در میان موسسات و سازمانهای درگیر در توسعه روستایی به صورت چالشی عمده در برنامه‌ریزی روستایی درآمده و موضوع توسعه روستایی پایدار را تحت تاثیر خود قرار داده است.

بنابراین با توجه به مباحث مطرح شده، هدف اصلی توسعه روستایی قرن ۲۱ در ایران باید بر روشهای توسعه روستایی پایدار متمرکز باشد. براین اساس هدف اصلی این مطالعه بررسی چالش‌های عمده توسعه روستایی در ایران به منظور دستیابی به توسعه پایدار می‌باشد که این

موضوع بر مبنای اجماع نظر کارشناسان و متخصصان توسعه روستایی کشور مورد تجزیه و تحلیل و تبیین قرار گرفته است.

مواد و روشها:

در این تحقیق داده‌های مورد نیاز از طریق پیمایش و به وسیله پرسشنامه جمع‌آوری گردیده جامعه نمونه مورد مطالعه، ۶۰ نفر از خبرگان و کارشناسان توسعه روستایی شاغل در وزارت جهاد کشاورزی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بودند که نظرات آنها از طریق پرسشنامه گردآوری گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و تلخیص و طبقه‌بندی چالشهای موجود، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد و کلیه محاسبات با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS انجام گرفت.

نتایج و بحث:

در این تحقیق با بررسی ادبیات موجود و تحلیل وضعیت توسعه پایدار روستایی در ایران در مجموع ۵۸ چالش مورد شناسایی قرار گرفت و در معرض قضاوت و ارزیابی ۶۰ نفر از کارشناس توسعه روستایی شاغل در سطوح ستاد و صف دو نهاد تاثیرگذار در فرآیند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های توسعه روستایی قرار گرفت. در مجموع ۲۵٪ از افرادی که به ارزیابی چالشهای مورد نظر پرداختند؛ دارای مدرک تحصیلی دکتری و ۷۵٪ بقیه دارای مدرک کارشناسی ارشد بودند. متوسط سابقه کار پاسخ‌گویان در امور توسعه روستایی ۱۲ سال بود و ۷۵٪ از آنها نیز دارای رشته‌های تحصیلی مرتبط با موضوع توسعه روستایی بودند.

برای دسته‌بندی چالشها و شناسایی ساختار روابط بین متغیرها از تکنیک تحلیل عاملی استفاده گردید. مقدار KMO بدست آمده، ۰/۷۲ و آزمون بارتلت $\chi^2 = 2512/39$ و سطح معنی‌داری آن ۱ درصد بود که حاکی از مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی می‌باشد. تکنیک تحلیل عاملی از ۵۸ چالش مورد بررسی فقط ۳۵ چالش را در ۵ عامل طبقه‌بندی کرد که این تعداد ۶۵/۵۲٪ از واریانس را تبیین نمودند. مقدار ویژه و درصد واریانس تبیین شده توسط هر عامل در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱): مقدار ویژه و واریانس تبیین شده توسط هر عامل

عاملها	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد تجمعی واریانس تبیین شده
چالشهای اقتصادی	۶/۷۷۲	۱۸/۳۰۲	۱۸/۳۰۲
چالشهای مدیریت و برنامه‌ریزی	۵/۰۶۲	۱۳/۶۸۰	۳۱/۹۸۲
چالشهای محیطی	۴/۶۲۲	۱۲/۴۹۲	۴۴/۴۷۴
چالشهای اجتماعی	۲/۹۱۴	۱۰/۶۵۱	۵۵/۱۲۶
چالشهای فیزیکی-کالبدی	۲/۸۴۵	۱۰/۳۹۱	۶۵/۵۱۷

نام عامل و متغیرهای مربوط به هریک از آنها همراه با بار عاملی هر متغیر در جدول (۲) ارائه شده است. براساس جدول (۲) فقدان تنوع در فعالیتهای اقتصادی در روستا به‌ویژه در بخش غیر کشاورزی (۰/۸۴۳)، سطح پایین درآمد (۰/۷۳۴)، تجاری نبودن تولیدات و محصولات کشاورزی (۰/۸۳۰)، فقر روستایی (۰/۷۷۱)، مشکلات مکانیزاسیون (۰/۷۳۴)، فقدان سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری روستایی (۰/۸۱۱)، بازدهی پایین در اقتصاد روستایی (۰/۷۶۹)، تخصیص ناکافی اعتبارات برای توسعه روستایی و ضعف سرمایه‌گذاری در نواحی روستایی (۰/۷۵۰)، فقدان زیر ساختهای مناسب برای توسعه صنایع روستایی (۰/۸۲۵) و دسترسی محدود به بازار محصولات کشاورزی (۰/۵۸۸)، چالشهای اساسی توسعه پایدار اقتصادی در مناطق روستایی است. براساس جدول (۱)، چالشهای اقتصادی ۱۸/۳۰٪ از واریانس کل را تبیین می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که اقتصاد روستایی بسیار وابسته به بخش کشاورزی است. مشکلات بخش کشاورزی، شکل نامناسب زیر ساختها که مانعی جدی برای توسعه سایر صنایع در مناطق روستایی به حساب می‌آید و افزایش میانگین سنی جمعیت روستایی که با مهاجرت سریع جوانان رابطه مستقیم دارد، از موانع اصلی توسعه اقتصادی در مناطق روستایی به حساب می‌آید.

عامل دوم که در قالب چالشهای مدیریت و برنامه‌ریزی نام گذاری شده است، ۱۳/۶۸٪ از واریانس مربوط به چالش‌های توسعه پایدار روستایی را به خود اختصاص داده است. مداخله سازمانهای دولتی مختلف در برنامه‌های توسعه روستایی (۰/۸۳۱) ضعف تئوریک و فقدان یک مدل عملی مناسب برای توسعه پایدار روستایی (۰/۹۰۷)، مشارکت کم‌رنگ مردم در اجرا و پشتیبانی از پروژه‌های توسعه روستایی (۰/۹۲۸)، فقدان استراتژی منسجم برای توسعه روستایی پایدار (۰/۷۹۳)، عدم مشارکت سازمانهای غیردولتی و نهادهای محلی در فرآیند برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های توسعه روستایی (۰/۵۹۹)، عدم هماهنگی برنامه‌ها و سیاستهای توسعه روستایی در سطح محلی (۰/۸۰۴) و فقدان توجه کافی به توسعه پایدار روستایی (۰/۶۶۰)، مهمترین چالشهای برنامه‌ریزی و مدیریت روستایی در ایران هستند.

سومین عامل که از آن تحت عنوان چالش‌های محیطی یاد شده است، ۱۲/۴۹٪ از کل واریانس را تبیین می‌کند. تغییر کاربری اراضی کشاورزی به غیر کشاورزی (۰/۵۸۱) شرایط اکولوژیکی نامساعد برای توسعه پایدار روستایی (۰/۸۹۶)، ضعف مدیریت بلایای طبیعی در مناطق روستایی (۰/۶۷۲)، فقدان توازن بین جمعیت و منابع طبیعی (۰/۸۵۲)، استخراج و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب زیر زمینی (۰/۶۲۹)، استفاده از تکنولوژی‌های نامناسب در بخش کشاورزی (۰/۹۱۹) و مشکلات بهداشتی روستا (۰/۷۰۰) از عمده‌ترین چالشهای موجود در زمینه مسایل محیطی است.

چالش‌های اجتماعی، بعد مهم دیگر توسعه پایدار است. در این زمینه، جوامع روستایی ایران با مشکلات اساسی روبرو هستند. فقدان توجه به دانش بومی روستائیان در فعالیتهای مختلف اقتصادی به طور عام و در فعالیتهای کشاورزی به طور خاص (۰/۷۲۲)، کمبود فرصتهای شغلی برای جوانان روستایی (۰/۷۸۵)، فقدان آگاهی روستایی در ارتباط با روشها و عوامل دسترسی به توسعه پایدار (۰/۶۸۴)، آستانه جمعیتی ناکافی در بسیاری از سکونت‌گاه‌های روستایی برای ارائه خدمات اجتماعی (۰/۸۱۶)، غلبه نیروی کار غیر حرفه‌ای یا غیر متخصص در فعالیتهای اقتصادی روستا (۰/۶۳۱) و نابرابری و عدم تعادل در ارائه امکانات اقتصادی - اجتماعی بین مناطق شهری و روستایی (۰/۶۷۱)، مهمترین چالش‌های اجتماعی برای توسعه پایدار روستایی هستند (جدول ۲). مجموعه این متغیرها که در قالب عامل اجتماعی خلاصه شده‌اند، ۱۰/۶۵٪ از واریانس کل را تبیین می‌کنند (جدول ۱).

ضعف زیر ساخت‌های روستایی نظیر شبکه راهها، امکانات بهداشتی، آموزشی و آب آشامیدنی سالم (۰/۹۸۷)، ضعف یا فقدان شبکه مناسب شهری - روستایی برای ایجاد یک پیوند منطقی بین مناطق روستایی و شهرهای کوچک برای ارائه خدمات اجتماعی - اقتصادی (۰/۹۲۹)، آسیب پذیری سکونت‌گاه‌های روستایی نسبت به بلایای طبیعی (۰/۶۶۷)، عدم ساماندهی فضایی مناسب سکونت‌گاه‌های روستایی (۰/۸۹۰) و وجود عدم تعادل و نابرابری فزاینده بین مراکز شهری و اجتماعات روستایی (۰/۶۷۰) از جمله متغیرهایی هستند که بیانگر بعد چالش‌های فیزیکی - کالبدی در توسعه پایدار روستایی است که در مجموع ۱۰/۳۹٪ از کل واریانس را تبیین می‌کنند.

جدول (۲) نام عامل‌ها، چالش‌های مربوط به هر عامل و بارهای عاملی

نام عامل	چالش‌ها	بارهای عاملی
چالش‌های اقتصادی	فقدان تنوع در فعالیتهای غیر کشاورزی	۰/۸۳۳
	سطح درآمد پایین	۰/۷۳۴
	تجاری نبودن تولیدات و محصولات کشاورزی	۰/۸۳۰
	فقر روستایی	۰/۷۷۱
	مشکل مکانیزاسیون بخش کشاورزی	۰/۷۳۴
	فقدان سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری روستایی	۰/۸۱۱
	بازدهی پایین در اقتصاد روستایی	۰/۷۶۹
	تخصیص ناکافی اعتبارات و ضعف سرمایه‌گذاری برای توسعه روستایی	۰/۷۵۰
	فقدان زیر ساخت‌های مناسب برای توسعه صنایع روستایی	۰/۸۲۵
	دسترسی محدود به بازار محصولات کشاورزی	۰/۵۸۸
چالش‌های مدیریت و برنامه‌ریزی	مداخله سازمان‌های مختلف دولتی در برنامه‌های توسعه روستایی	۰/۸۳۱
	ضعف تئوریک و فقدان یک مدل عملی مناسب برای توسعه پایدار روستایی	۰/۹۰۷
	مشارکت کم‌رنگ مردم در اجرا و پشتیبانی از پروژه‌های توسعه روستایی	۰/۹۲۸
	فقدان استراتژی منسجم برای توسعه پایدار روستایی	۰/۸۹۳
	عدم مشارکت سازمان‌های غیر دولتی و نهادهای محلی در برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های توسعه روستایی	۰/۵۹۹
	عدم هماهنگی برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه روستایی در سطح محلی	۰/۸۰۴
	فقدان توجه کافی به توسعه پایدار روستایی	۰/۶۶۵
چالش‌های محیطی	تغییر کاربری اراضی کشاورزی به غیر کشاورزی	۰/۵۸۱
	شرایط اکولوژیکی نامساعد برای توسعه پایدار روستایی	۰/۸۹۶
	ضعف مدیریت بلایای طبیعی در مناطق روستایی	۰/۶۷۲
	فقدان توازن بین جمعیت و منابع طبیعی	۰/۸۵۲
	بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب زیر زمینی	۰/۶۳۹
	استفاده از تکنولوژی نامناسب در بخش کشاورزی	۰/۹۱۹
	مشکلات بهداشتی روستا	۰/۷۰۰
چالش‌های اجتماعی	فقدان توجه به دانش بومی در ابعاد مختلف توسعه پایدار روستایی	۰/۷۲۲
	کمبود فرصت‌های شغلی برای جوانان روستایی	۰/۷۸۵
	فقدان آگاهی روستاییان نسبت به روشها و اصول دستیابی به توسعه پایدار	۰/۶۸۴
	آستانه جمعیتی ناکافی برای بسیاری از سکونت‌گاه‌های روستایی برای ارائه خدمات اجتماعی	۰/۸۱۶
	غلبه نیروی کار غیر متخصص در فعالیتهای اقتصادی روستا	۰/۶۳۱
	نابرابری و عدم تعادل در ارائه امکانات اقتصادی - اجتماعی بین مناطق روستایی و شهری	۰/۶۷۱
چالش‌های زیربنایی - کالبدی	ضعف زیرساخت‌های روستایی (جاده، امکانات بهداشتی، آب و ...)	۰/۹۸۷
	ضعف یا فقدان شبکه شهری - روستایی مناسب برای ایجاد یک پیوند منطقی بین مناطق روستایی و شهرهای کوچک برای ارائه خدمات اجتماعی - اقتصادی	۰/۹۳۹
	آسیب پذیری سکونت‌گاه‌های روستایی در مقابل بلایای طبیعی	۰/۶۶۷
	عدم ساماندهی فضایی مناسب سکونت‌گاه‌های روستایی	۰/۸۹۰
	وجود عدم تعادل و نابرابری فزاینده بین مراکز شهری و اجتماعات روستایی	۰/۶۷۰

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

هر چند که تجربه بیش از ۵۰ سال برنامه‌ریزی در ایران منجر به بهبود شرایط زندگی روستائیان شده است، ولی نکته مهم این است که راهی طولانی برای رسیدن به توسعه پایدار در اجتماعات محلی پیش روست. بیشتر پروژه‌های توسعه روستایی در خلال پنج دهه برنامه‌ریزی، توسط سازمانهای دولتی طراحی و به اجرا گذاشته شده‌اند که با کمترین مشارکت از طرف مردم روستایی مواجه بوده‌اند (APO, 2004). اینگونه برنامه‌ریزی‌های متمرکز بر اساس درآمدهای نفتی سازماندهی شده است. حال با توجه به ضرورت تمرکز زدایی و خصوصی سازی، مشارکت مردم در تمام فرایند توسعه پایدار روستایی بسیار ضروری به نظر می‌رسد. تاکید می‌گردد که توسعه روستایی بدون حمایت و مشارکت مردمی تحقق نخواهد یافت. امروزه واضح است که جوامع روستایی با چالشهای مختلفی در حیطه‌های اقتصادی، مدیریتی و برنامه‌ریزی، محیطی، اجتماعی و فیزیکی-کالبدی برای دستیابی به توسعه پایدار روبرو هستند. به نظر می‌رسد که توسعه پایدار اجتماعات روستایی در ایران از طریق زیر قابل دسترسی است:

- تنوع سازی در اقتصاد روستایی و ظرفیت سازی برای اجتماعات محلی
- حمایت از فعالیتهای اشتغال آفرین، تشویق گردشگری روستایی، و ترغیب فعالیتهای تجاری و صنعتی مرتبط با بخش کشاورزی به منظور توسعه پتانسیلها و توانمندیهای اقتصادی روستا
- تشویق مردم برای مشارکت در فرآیند برنامه‌ریزی، اجرا و پشتیبانی از پروژه‌های توسعه روستایی
- ایجاد شبکه مناسب شهری- روستایی برای ارائه خدمات به مناطق روستایی از طریق شهرهای کوچک
- ایجاد تشکیلات و بنگاههای کوچک اقتصادی که به وسیله سرمایه‌گذاری‌های بزرگ حمایت می‌شوند برای بهبود معیشت روستایی
- تدوین و بکارگیری استراتژی‌های نوین توسعه روستایی با هدف: تغییرات ساختاری در سیستم تولید و بهره‌برداری مناسب از منابع تولیدی و تکنولوژی‌های دوستدار محیط زیست، مدیریت پایدار منابع، از بین بردن عدم تعادل بین مناطق شهری و روستایی در زمینه‌های آموزش، دسترسی به آب سالم، اشتغال‌زایی و درآمد خارج از مزرعه، دایر کردن بازارهای روستایی و تسهیم وسیع رشد اقتصادی در مناطق روستایی و تشویق مشارکت مردمی.

تقدیر و تشکر:

هزینه انجام این پژوهش توسط معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تهران و پردیس کشاورزی و منابع طبیعی تأمین گردیده است که بدین‌وسیله از آنها تقدیر و تشکر می‌گردد.

منابع:

- آسایش، حسین (۱۳۷۵) برنامه‌ریزی روستایی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران
- اشرف، احمد (۱۳۶۱). دهقانان، زمین و انقلاب، در کتاب مسائل ارضی و دهقانی، موسسه انتشارات آگاه، تهران
- عسگری، محمد (۱۳۸۰) مدل بندی شورای روستایی برای توسعه روستایی در شهرستان ایلام، پایان نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه تهران،
- وتیز، آر (۱۳۶۶) درسهایی برای آینده، فصلنامه روستا و توسعه (گزیده مقالات) شماره اول، مرکز تحقیقات و بررسی مسائلی روستایی.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۲)، برنامه پنج ساله سوم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۰)، آمارنامه کشاورزی، دفتر آمار و اطلاعات معاونت برنامه‌ریزی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۴)، تحولات اجتماعی-اقتصادی کشور از نظر آمار، وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۰)، کشاورزی ایران در یک نگاه
- APO, (2004) Role of local communities and institutions in integrated rural development, APO, Publications.
- Haman, Dorota, Z and Donald, A. Brown, (1994) Promoting sustainable agriculture and rural development, Bulletin 293, Institute of Food and Agricultural Sciences, University of Florida.
- World Commission on Environment and Development (WCED), (1987). Our Common Future, New York, Oxford University Press.
- Roseland, M. (1998). Toward sustainable communities: Resources for citizens and their governments, Gabriola Island, BC: New Society Publishers.
- Hart, M. (1999). Guide to sustainable community indicators, North Andaver, Hart Environmental Data.
- Newman, p. and J. Kenworthy, (1999). Sustainability and cities: Overcoming automobile dependence, Washington, DC: Island Press.
- Wilkerson, O.L. and B. Barauch (2001). Organized complexity, information, and state of sustainability reporting. A case study of the Tiazten Nation. Western Geography.
- Berkes, F. and C. Folke (1998). A system perspective on the interrelationship between natural, human-made and cultural capital, Ecological Economics, No. 5.



پروفیشنل سائنسوں، انسانی مطالعات اور
پرنٹنگ اور ڈیزائننگ